

در حقیقت این حداقل وظیفه منطقدان است که دام‌هایی را که زبان در جلو راه متفکرین قرار داده است، نشان دهد. (گوتلوب فرگه)



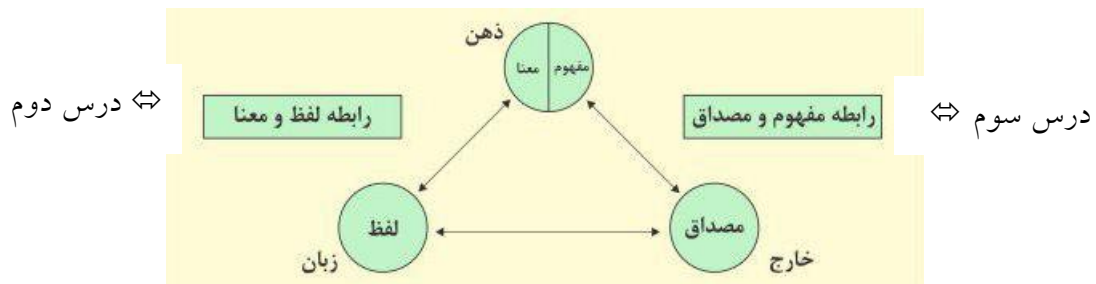
بخش دوم: روابط میان ذهن، زبان و خارج

عبارت ذکر شده در صفحه عنوان از کتاب اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی (که کتابی به زبان فارسی است) انتخاب شده است. این عبارت اهمیت مغالطه اشتراک لفظ را بیان می‌کند.

طراحی آموزشی بخش دوم

این بخش با معرفی رابطه میان ذهن، زبان و خارج آغاز می‌شود و با ذکر چند مثال نشان می‌دهد که خطای در هر یک از این حوزه‌ها می‌تواند در حوزه دیگر تاثیر داشته باشد. همچنین از طریق ارتباط میان ذهن و زبان حیطة درس دوم و از طریق رابطه میان ذهن و خارج، حیطة درس سوم معرفی می‌شوند. در درس دوم مغالطه در حیطة آموزش داده شده است و نحوه استفاده از این نسبت‌ها در طبقه‌بندی مفاهیم بیان شده زبان به دانش آموزان معرفی شده است.

در درس سوم رابطه مفهوم و مصداق ذکر شده و مفاهیم کلی و جزئی معرفی شده‌اند. همچنین بر اساس مصادیق میان دو مفهوم، نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق و عموم و خصوص من وجه) است. بدین ترتیب دانش آموز آماده فراگیری مبحث تعریف در بخش سوم کتاب می‌شود.



در این بخش ارتباط میان ذهن، زبان و خارج نشان داده شده است تا از این طریق مشخص شود که خطای در هر بخش منجر به خطای در بخش دیگر می‌شود.

وجود لفظی، ذهنی و خارجی

ارتباط میان زبان، ذهن و خارج، در کتاب‌های منطق تحت عنوان ارتباط وجود کتبی و وجود لفظی با وجود ذهنی و وجود خارجی بیان شده است.

وجود کتبی ⇐ وجود لفظی ⇐ وجود ذهنی ⇐ وجود عینی (خارجی)
در سطح این کتاب، وجود کتبی و لفظی تحت عنوان حیطة زبان مطرح شده‌اند و چهار مرتبه فوق به سه حیطة زیر تقلیل یافته‌اند:

عالم زبان (وجود کتبی و لفظی) ⇐ عالم ذهن (وجود ذهنی) ⇐ عالم خارج (وجود خارجی)
بر این اساس، در این کتاب هر دو خطای در کتابت و خطای در تلفظ، خطای زبانی معرفی شده‌اند.

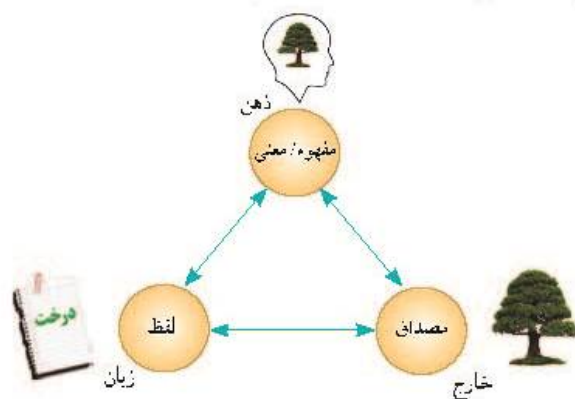
در این درس تعدداً از اصطلاحات «عالم» ذهن، «عالم» زبان و «عالم» خارج استفاده نشده است تا از بحث‌های فرعی و غیر لازم فلسفی در این زمینه در کلاس جلوگیری شود. بدون استفاده از کلمه «عالم» به راحتی می‌توان ارتباط لفظ، ذهن و خارج را به دانش‌آموزان منتقل نمود و به دانش‌آموز توضیح داد که خطاهایی که در زبان پدید می‌آیند، مانند اشتراک لفظ، باعث خطای در ذهن ما می‌شوند. و یا یک خطای ذهنی مثلاً در یادگرفتن تفاوت تصور و تصدیق یا تعریف و استدلال از یکدیگر، باعث خطا در حل کردن تمرین‌های درس (خطای خارجی) می‌شود.

۱. خواب خوبی دیدم. (مربوط به حیطة ذهن: خواب دیدن در ذهن ما اتفاق می‌افتد و نه در خارج).^۱

۲. «خواب» چهار حرف دارد. (مربوط به حیطة زبان: درباره خود لفظ صحبت شده است نه معنای آن).

۳. وقتی زنگ زدی خوابیده بودم. (مربوط به حیطة خارج: درباره عملی خارجی صحبت شده است. در خارج از ذهن (مثلاً رختخواب) می‌خوابیم و بیدار می‌شویم).

۱. در رؤیای صادقانه نفس با عالم غیب متصل می‌شود و این نوع خواب را نمی‌توان امر ذهنی صرف دانست. اما در خواب‌های پریشان و خواب‌هایی که تنها در عالم خیال متصل رخ می‌دهند، خواب دیدن فرایندی ذهنی است.



تصویر رسم شده برای فهم بهتر ارتباط سه حیطه ذهن، زبان و خارج است. تا به دانش‌آموزان نشان دهد که مباحث لفظ و معنا (که در درس دوم می‌خوانند) و مفهوم و مصداق (که در درس سوم می‌خوانند) چگونه با یکدیگر ارتباط دارند و چرا در کتاب منطق مطرح شده‌اند. برای تصویر کردن خارج، از یک درخت و برای زبان (وجود کتبی) از نوشته «درخت» و برای ذهن از تصویر یک درخت در ذهن استفاده شده است.

} رابطه زبان با ذهن ⇐ رابطه لفظ و معنا (درس دوم)
 } رابطه ذهن با خارج ⇐ رابطه مفهوم و مصداق (درس سوم)

■ تذکر

ممکن است دانش‌آموزان با دیدن تصویر ص ۱۲ دچار اشتباهات زیر شوند که در این صورت لازم است به آنها تذکر داده شود (در صورتی که دچار اشتباه نشده‌اند، از ذکر این مطالب در کلاس خودداری کنید):

۱. تصویر درخت در داخل سر (ص ۱۲) به صورت نمادین بیانگر وجود مفاهیم در ذهن ما است و نباید باعث این اشتباه شود که تصور یا مفهوم همان تصویری از اشیاء است که می‌بینیم (درباره خلط میان تصور و تصویر به راهنمای درس نخست مراجعه نمایید).

۲. همچنین نباید این تصور را در دانش‌آموز ایجاد کند که ذهن همان مغز مادی ما است.

■ تذکر

چنانکه در درس نخست بیان شد، گرچه در تفکیک مفاهیم زیر نکات ظریفی وجود دارد، اما در سطح این کتاب، موارد زیر معادل یکدیگر هستند:

تصور = مفهوم = معنا = صورت ذهنی = ادراک ساده بدون حکم = مدلول

تفکیک مفهوم از معنا در دایره مربوط به ذهن (در تصویر ص ۱۲ کتاب) تنها بدین جهت است که در مقابل لفظ از «معنا» و در مقابل مصداق از «مفهوم» استفاده می‌کنیم.

تصور = مفهوم مفهوم = آنچه از لفظ فهمیده می‌شود. معنی = آنچه از لفظ قصد شده است. مدلول = آنچه لفظ بر آن دلالت دارد.	}
---	---

■ تذکر

توجه شود که این بخش جزء بخش‌های اختیاری کتاب است که هدف آن ارائه‌ی تصویری کلی از جایگاه درس دوم و سوم در کتاب منطق و اهمیت این مباحث در بحث جلوگیری از خطای ذهن است. لذا بیش از میزان لازم بر روی آن وقت نگذارید.

درس دوم: لفظ و معنا

مدت زمان پیشنهادی

دو جلسه (حداکثر سه جلسه)

یک جلسه: ارتباط زبان، ذهن و خارج؛ اشتراک لفظ و بارارزشی کلمات در جملات، حل تمرین
یک جلسه: دلالت مطابقه، تضمن و التزام؛ شیوه نگارش کلمات؛ ابهام در عبارات، حل تمرین

اهداف کلی درس

- آموختن ارتباط زبان و ذهن (لفظ و معنا).
- درک اهمیت زبان و نحوه صحبت کردن و نوشتن عبارات در انتقال پیام و جلوگیری از خطای ذهن.
- آموختن چند مغالطه در حوزه زبان (الفاظ).
- آشنایی با انواع سه‌گانه دلالت مطابقی، تضمنی و التزامی.

اهداف جزئی درس

- توجه به ارتباط میان لفظ و معنا و تاثیر خطای لفظی بر تغییر معنا.
- آشنایی با مغالطه اشتراک لفظ.
- آشنایی با مغالطه بار ارزشی کلمات.
- آموختن دلالت‌های لفظی سه‌گانه مطابقی، تضمنی و التزامی.
- آشنایی با مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات.
- آشنایی با مغالطه نگارشی کلمات.
- آشنایی با مغالطه ابهام در عبارات.

مباحثی برای مطالعه آزاد

این درس مباحثی برای مطالعه آزاد ندارد.

اصطلاحات درس و پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان

دانش‌آموزان با اشتراک لفظ در ادبیات آشنا هستند. دانش‌آموزان در درس علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم با جناس تام و ناقص آشنا هستند. دانش‌آموزان با علائم سجاوندی و علت استفاده از آنها آشنا هستند.	پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان
اشتراک لفظ؛ مغالطه اشتراک لفظ؛ بار ارزشی کلمات در جملات؛ دلالت مطابقی؛ دلالت تضمنی؛ دلالت التزامی؛ مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات؛ مغالطه نگارشی کلمات؛ مغالطه ابهام در عبارات.	اصطلاحات جدید درس

آنچه در این درس اهمیت دارد، توجه به نقش زبان در ایجاد مغالطات ذهنی و اهمیت صحبت کردن صحیح است. عبارت ذکر شده از خواجه نصیر طوسی در صفحه عنوان این بخش (باید دانست که مغالطه به الفاظ...) و عبارت ذکر شده از سهروردی در صفحه عنوان بخش هفتم (اختلاف در عبارات تو را به بازی نگیرد...) هر دو در اهمیت این مبحث هستند. همچنین از کنفسیوس نقل شده است که گفته است: «هر ظلمی که بر بشر شده است از ظلم به کلمات بوده است».

■ مغالطات معرفی شده در این درس

مغالطات معرفی شده در این درس و اسامی دیگر آنها در سایر کتاب‌ها عبارتند از:

ردیف	نام مغالطه	نام دیگر مغالطه در سایر کتاب‌ها
۱	اشتراک لفظ	مغالطه ابهام لغوی
۲	بارارزشی کلمات	مغالطه استفاده از کلمات ارزشی
۳	توسل به معنای ظاهری	توسل به معنای تحت اللفظ؛ هرس مصداقی
۴	مغالطه نگارشی کلمات	در برخی از کتاب‌ها در ذیل ابهام ساختاری مطرح می‌شود.
۵	ابهام در عبارات	ممارات؛ ادعاهای دو پهلو؛ ابهام معنایی؛ ابهام نحوی؛ در برخی از کتاب‌ها در ذیل ابهام ساختاری مطرح می‌شود.

دسته‌بندی مغالطات

در منطق سنتی سیزده نوع مغالطه در بخش صناعات خمس معرفی می‌شوند که عبارتند از:

تقسیم‌بندی سنتی سیزده‌گانه از مغالطات

ردیف	نام مغالطه	محل وقوع	ردیف	نام مغالطه	محل وقوع
۱	اشتراک لفظی (*)	لفظ مفرد	۸	اخذ غیرذاتی بجای ذاتی	قضیه مفرد
۲	ابهام در ساختار صرفی	لفظ مفرد	۹	سوء اعتبار حمل	قضیه مفرد
۳	ابهام در حرکات و نقطه‌گذاری (*)	لفظ مفرد	۱۰	مصادره به مطلوب (*)	قیاس
۴	ممارات (*)	مرجع ضمیر	۱۱	جمع مسائل در مسئله واحد	قضیه
۵	ترکیب مفصل	لفظ مرکب	۱۲	سوء تألیف (*)	قیاس
۶	تفصیل مرکب	لفظ مرکب	۱۳	بکار بردن غیر علت بجای علت (*)	قیاس
۷	ابهام انعکاس (*)	قضیه مفرد			

از این میان مغالطات بالا، موارد ستاره‌دار به نحوی در کتاب درسی مطرح شده‌اند.

در کتاب‌هایی که امروزه در زمینه منطق یا تفکر انتقادی منتشر می‌شوند، مغالطات تعداد مشخصی ندارند و

بیشتر به صورت موردی نامگذاری می‌شوند. مانند مغالطهٔ مسموم کردن چاه، تله گذاری و ... همچنین امروزه دسته‌بندی مشخصی از مغالطات ارائه نشده است. آنچه در این بحث اهمیت دارد، توجه به مغالطه و پرهیز از آن است و نه ایجاد تمایز دقیق میان آنها. لذا ممکن است برخی از مغالطات جدید با یکدیگر هم پوشانی داشته باشند و یک عبارت را بتوان در ذیل دو یا چند مغالطه قرارداد. جهت مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ دسته‌بندی مغالطات می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه نمایید: عارف، رضا، مغالطه پژوهی نزد فیلسوفان مسلمان، تهران، انتشارات بصیرت، ۱۳۸۹. مقدمهٔ کتاب مغالطات نوشتهٔ علی اصغر خندان، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.

■ تذکر

از آنجا که ممکن است یک عبارت دارای چند مغالطه باشد و در ذیل چند مغالطه قرارگیرد، در طراحی سؤالات تشریحی به توضیح دانش‌آموزان توجه کنید و در طراحی گزینه‌های سؤالات تستی دقت نمایید تا دو گزینه صحیح وجود نداشته باشد.

اشتراک لفظ

این بحث نیاز به آموزش زیادی ندارد و تنها توجه و تاکید بر آن در کلاس کافی است. عبارت صفحهٔ عنوان بخش دوم از خواجه نصیرالدین طوسی (باید دانست که مغالطه به الفاظ...) نیز بر اهمیت مغالطهٔ اشتراک لفظ تاکید دارد.

■ لطیفه بر اساس اشتراک لفظ

بسیاری از لطیفه‌ها بر اساس اشتراک لفظ پدید آمده‌اند. معمولاً دانش‌آموزان مثال‌های خوبی در این زمینه مطرح خواهند کرد (گرچه باید مراقب بود که در مطرح کردن طنزها، حرمت کلاس حفظ شود، و قومیت‌های مختلف نیز مورد تمسخر قرار نگیرند). مانند:

- یکی سرش خورد به جدول، نشست و جدول را حل کرد!

دربارهٔ اشتراک لفظ، می‌توان به مثال‌های خوبی در ادبیات اشاره کرد. گرچه این موارد مصداق مغالطهٔ اشتراک لفظ نیستند، اما بیانگر اهمیت توجه به اشتراک لفظ در زبان هستند. به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می‌شود:

کار نیکان را قیاس از خود مگیر	گرچه باشد در نوشتن شیر شیر
آن یکی شیر است اندر بادیه	آن دگر شیر است اندر بادیه
آن یکی شیر است کادم می‌خورد	وآن دگر شیر است کادم می‌خورد
بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر	دیدی که چگونه گور بهرام گرفت؟

بارارزشی کلمات در جملات

پیام دو خوابگزار یکی بود و هر دو طولانی‌تر بودن عمر پادشاه نسبت به خویشان وی را بیان کردند، اما نحوه بیان آنها تفاوت داشت. یکی به جنبه منفی این حقیقت، یعنی دیدن داغ تک تک عزیزان وی توجه کرد و دیگری به جنبه مثبت آن، یعنی داشتن عمری طولانی و با برکت.

مراد از بارارزشی مثبت: مودبانه بودن و یا پیامی مثبت به همراه داشتن است. مانند: فوت شدن که مودبانه است و یا شهید شدن که نشان می‌دهد فرد در راه خداوند کشته شده است و فردی بهشتی است.

مراد از بارارزشی منفی: بی‌ادبانه بودن و یا پیامی منفی به همراه داشتن است. مانند: سَقَط شدن که بکار بردن آن در مورد انسان بی‌ادبی است و یا به درک واصل شدن که بجز بی‌ادبانه بودن، نشان از جهنمی بودن فرد (دَرَك یکی از طبقات جهنم است) دارد.

مراد از بار ارزشی خنثی، نداشتن بار مثبت یا منفی است. درباره اینکه آیا کلمه‌ای وجود دارد که بارارزشی خنثی داشته باشد اختلاف نظر وجود دارد. در سطح این کتاب، همین که کاربرد یک کلمه در جمله مطلب دیگری را به ذهن شنونده نیاورد و یا بارارزشی آن بسیار کم رنگ باشد، آن را خنثی به شمار می‌آوریم. مانند «در اثر گازگرفتگی همه اعضای یک خانواده مردند». این عبارت مطلبی مثبت یا منفی درباره این خانواده بیان نکرده است و کلمه «مردند» دارای بار ارزشی خنثی است.

■ بررسی کادر ص ۱۵

کلمات نوشته شده در کادر صفحه ۱۵ همگی «مردن» را بیان می‌کنند.

برخی از آنها نوع مرگ را نیز مشخص کرده‌اند. مانند: اعدام شدن (به جرمی کشته شدن)، بالای دار رفتن (با طناب دار مردن)، تیر باران شدن (با گلوله مردن)، به قتل رسیدن (به طور غیرطبیعی مردن)، خفه شدن (از طریق نرسیدن اکسیژن به بدن مردن)، ترور شدن (به طور ناگهانی و ناجوانمردانه کشته شدن)، غرق شدن (در آب مردن).

کلمات با بارارزشی مثبت: فوت شدن، شهید شدن و...

بار ارزشی منفی: سَقَط شدن و...

بار ارزشی خنثی: مردن، کشته شدن و... (جمله‌ای که در آنها بکار رفته‌اند اهمیت دارند).

بهتر است در این تمرین‌ها از دانش آموز بخواهیم که برای تایید نظر خود، کلمه را در یک جمله بکار ببرد و سپس بارارزشی آن را مشخص کند.

■ تذکر

ممکن است میان دانش آموزان درباره بار ارزشی خنثی بودن یا نبودن برخی از کلمات اختلاف نظر پدید بیاید. توجه داشته باشید که در این موارد می‌توان نظرات مختلف را با توجه به توضیحات آنها پذیرفت. زیرا برخی از این کلمات بسته به کاربرد آنها در جملات و نیز بسته به موقعیت و جایگاه افرادی که درباره آنها

صحبت می‌کنیم، بارارزشی متفاوتی پیدا می‌کنند. به عنوان مثال بکار بردن لفظ «مردن» برای پیامبران خنثی به شمار نمی‌آید. همچنین توجه شود که هدف از طرح این مطلب در کتاب، توجه به معنای ضمنی کلمات است و نه یافتن بارارزشی مثبت، منفی و خنثی در همهٔ حیطه‌ها. بنابراین به عنوان مثال در صورتی که دانش‌آموزان نتوانند در حیطه‌ای، کلمه‌ای با بار ارزشی خنثی پیدا کنند، و یا در مثبت یا خنثی بودن معنای کلمه‌ای اختلاف نظر داشته باشند، مشکلی پدید نمی‌آید.

■ دقت در طراحی سؤال

در طراحی سؤالات امتحانی، نحوهٔ بکار بردن کلمات در جملات اهمیت دارند و نه خود کلمات و نباید برای ایشان کلمات مطرح شده در این درس را دسته‌بندی کرد و از آنها خواست که آنها را حفظ نمایند. بلکه یک کلمه می‌تواند در جمله‌ای بار ارزشی مثبت داشته باشد و در جمله‌ای دیگر بار ارزشی منفی و یا خنثی داشته باشد.

در سؤالاتی که به صورت تشریحی از این بخش طراحی می‌شوند باید به توضیحات دانش‌آموزان دقت شود و در صورتی که سؤالی به صورت تستی طراحی شده است، لازم است تا بارارزشی کلمه بحث برانگیز نباشد. بنابراین نمی‌توان با دسته‌بندی‌های بی‌روح کلاس‌های کنکور، با ماهیت چالشی و بحث برانگیز این بخش از درس مواجه شد.

■ بررسی مثال‌های ص ۱۶

به نظر می‌رسد، کلمات «اعتقادات»، «پیش فرض‌ها» و «موضع‌گیری‌ها» گرچه با یکدیگر اختلاف معنایی جزئی دارند، بارارزشی خاصی نداشته باشند. در این عبارات، کلمهٔ «ثابت قدم و استوار» بارارزشی مثبت دارد. «لجاجت و تعصب» و «یک دنده و کله شق»، بارارزشی منفی دارند.

■ مثال‌های بیشتر

- نیروهای دفاعی انگلیس جهت برقراری صلح و ایجاد آرامش وارد منطقه شدند و به سرکوبی آشوبگران و جنگ‌طلبان پرداختند (کلمات به نحوی انتخاب شده‌اند که عمل اشغالگرانهٔ انگلیس را توجیه می‌کنند).
- پس از آغاز جنگ جهانی دوم، دولت آمریکا نام وزارت جنگ خود را به وزارت دفاع تغییر داد!
- ما هشیاریم و شما حيله گريد!
- ما مراکز نگهداری از مجرمان ایجاد می‌کنیم و شما بازداشت‌گاه می‌سازید.
- ما مصمم هستیم و شما خودسريد!

بار ارزشی کلمات در طراحی پرسش‌نامه‌ها

سؤالات پرسش‌نامه‌ها نباید در اثر بارارزشی کلمات، پاسخ‌های خاصی را به افراد القا نمایند. به سؤال‌های زیر توجه کنید و بگویید به نظر شما احتمال پاسخ منفی یا مثبت دادن به کدام سؤال بیشتر است؟



- آیا موافق تمدید طرح کارت سوخت هستید؟

- آیا موافقید که با تمدید طرح کارت سوخت، ماهانه جیره بنزین دریافت کنید؟

- آیا موافقید که با تمدید طرح کارت سوخت حق قانونی خود را دریافت کنید؟

یکی از رشته‌های دانشگاهی رشته سنجش و اندازه‌گیری (روانشناسی) است که به طور تخصصی به طراحی سؤال پرسش‌نامه‌های روانشناسی به دور از هرگونه سوگیری و بارارزشی کلمات می‌پردازد.

تحقیق: چند برنامه خبری در مناسبات مختلف را نگاه کنید و مشخص کنید در مصاحبه‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شوند، گزارشگران سؤالات خود را سوگیرانه پرسیده‌اند یا نه؟ (از آنجا که به دلیل فرصت محدود خبر، سؤال اصلی پخش نمی‌شود و تنها پاسخ افراد بیان می‌شود، لذا سعی کنید از طریق پاسخ‌ها، سؤال اصلی را حدس بزنید).

■ نکته

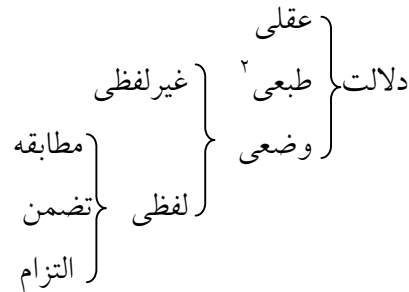
هنگامی که مطلبی را بیان میکنیم، گاه توصیف ما از آن پدیده به طور ضمنی تایید و تحسین آن به شمار می‌آید (بار ارزشی مثبت) و گاه به طور ضمنی تقبیح آن است (بار ارزشی منفی) و گاه بدون هرگونه تحسین و یا تقبیحی است (بار خنثی).

هر یک از این جملات سه گانه فوق می‌توانند صادق یا کاذب باشند. لذا بحث بار ارزشی کلمات همچنان در فضای منطق دو ارزشی است و از منطق فازی یا منطق‌های غیرکلاسیک اخذ نشده است.



نحوه دلالت لفظ بر معنا در جملات

در کتاب‌های منطق، انواع دلالت عقلی، طبعی و وضعی ذکر می‌شود. دلالت وضعی نیز به لفظی و غیر لفظی تقسیم می‌شود.



از آنجا که هدف از بیان این تقسیمات در کتاب‌های منطقی، پرداختن به انواع دلالت وضعی لفظی است، در این کتاب تنها این نوع دلالت در درس مربوط به الفاظ مطرح شده است. ملاحظات سبزواری در منظومه می‌نویسد:

من طرق الدلالة الجلیه اعتبر اللفظية الوضعية

«از میان دلالت‌های آشکار، [در منطق] دلالت لفظی وضعی معتبر است»

آنچه در این بحث مهم است، دلالت التزامی است. در دلالت التزامی لازم است در ذهن شنونده میان یک امر و لازمه آن ارتباط محکمی وجود داشته باشد. به عنوان مثال در کتاب‌های منطق ذکر می‌کنند که شیر هم شجاع است و دهان بد بویی دارد! اما آنچه در ذهن افراد درباره شیر راسخ شده است، شجاعت وی است و نه بوی بد دهان وی! لذا شیر به دلالت التزامی بر شجاع دلالت دارد و بر «بوی بد دهان داشتن» دلالت ندارد. لازم به ذکر است که در دیاگرام ص ۱۲، فلش‌های رسم شده نشانه «دلالت» هستند.

مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات

■ چند مثال دیگر:

- گفته بودم که برایت نوشابه می‌خرم، خُب آب هم نوعی نوشابه است.
- من که گفتم بعد از ظهر می‌آیم! خُب ساعت ۹ شب هم بعد از «ظهر» است.
- اگر طلبکاران آمدند، من می‌روم در حیاط؛ بگو در خانه نیست!
- اگر مغازه دار جویری صحبت کرد که برخلاف میل خود ناچار به خرید بودی، بگو کیف پولم

۲. دلالت طبعی نوعی دلالت عقلی است که در حیطة بدن موجودات بکار می‌رود. مانند زردی چهره که نشانه بیماری است. از آنجا که پزشکان قدیم منطق می‌خواندند و مبحث طبایع در طبیعیات قدیم اهمیت داشته است، دلالت طبعی را نوع جداگانه‌ای قرار داده‌اند.

همراهم نیست! او فکر می‌کند پول نداری و دست از سرت بر می‌دارد!

- ما گفتیم کارخانه در حضور رئیس جمهور افتتاح شد، ولی نگفتیم به بهره‌برداری رسید! (با این روش می‌توان یک کارخانه را یک‌بار برای کلنگ زنی و احداث، یک‌بار برای افتتاح، یک‌بار برای راه اندازی و یک‌بار برای بهره‌برداری رسیدن و پس از آن برای تکمیل فاز یک و دو و ... آن توسط افراد مختلف مورد استفاده تبلیغاتی قرار داد!).

■ بررسی مثال‌های ص ۱۷ کتاب

- محمد شاه قاجار ریختن خون را به معنای ظاهری آن گرفت و آن را شامل کشتن از طریق خفه کردن ندانست! در حالی که مسلم است که وی قسم یاد کرده بود که وزیر خود را نخواهد کشت.

- حساب کردن به معنای «محاسبه کردن» در نظر گرفته شده و نه به معنای «پرداخت کردن».

■ تفاوت مغالطه «اشتراک لفظ» و «توسل به معنای ظاهری کلمات»

در مغالطه اشتراک لفظ، یک کلمه دارای چند معنای اصلی است. مانند شیر

در مغالطه توسل به معنای ظاهری، کلمه دارای یک معنای اصلی است و معنای دیگر به دلالت التزامی یا تضمینی به دست می‌آید. مانند: حساب کردن که در اصل (به دلالت مطابقه) به معنای محاسبه کردن است و به دلالت التزامی به معنای پرداختن کردن پول است. و یا مانند «شیر» که معنای اصلی آن حیوان جنگلی است و شجاع بودن معنای فرعی یا التزامی آن است.

بر این اساس می‌توان مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات را زیر مجموعه مغالطه اشتراک لفظ دانست.

شیوه نگارش کلمات

امروزه بحث ویراستاری ادبی و علمی یکی از ضروریات انتشار کتاب‌ها و مقالات است که جهت پرهیز از خطای اندیشه صورت می‌گیرد. در برخی از کتاب‌ها و ویراستار معروف‌تر از نویسنده است. به عنوان مثال در «دائرة المعارف فلسفی پل ادواردز»، پل ادواردز ویراستار مجموعه است و نه مؤلف آن.

همچنین در قراردادهای بین‌المللی، دقت در نگارش و استفاده صحیح از علائم سجاوندی اهمیت ویژه‌ای دارد تا در آینده متن قرارداد قابلیت تفسیرهای متفاوت را نداشته باشد.

در ادبیات، گاه با گذاردن یک ویرگول، معنای جمله تغییر می‌کند. مانند:

که سزا نیست سَلَح‌ها بجز از تیغ زنان را

مفروشید کمان و زره و تیغ، زنان را

که گفתי بجای سمر، قند داشت

یکی شاهی در سمرقند داشت

■ جناس تام و ناقص

جناس تام در ادبیات با بحث مغالطه اشتراک لفظ ارتباط دارد. در جناس تام، لازم است تا هم شکل ظاهری دو کلمه و هم تلفظ آنها مشابه یکدیگر باشند.

بخشی از جناس ناقص در ادبیات نیز، با بحث مغالطه نگارشی کلمات ارتباط دارد. مانند:
خوار و خار؛ صفر و سفر (تفاوت در دیکته کلمات)
کشت و گشت (تفاوت در اعراب)

صبحدم ناله قُمَری شنو از طرف چمن تا فراموش کنی فتنه دور قُمَری

ادبیات	منطق
تام	مغالطه اشتراک لفظ
ناقص	مغالطه نگارشی کلمات

جناس

بنابراین هنگامی که دو کلمه تنها در تلفظ با یکدیگر مشابه هستند و نه در نحوه نگارش (مانند خوار و خار)، مغالطه اشتراک لفظ نیست و مغالطه نگارشی کلمات است. جهت مطالعه درباره جناس و اقسام آن می‌توانید به درس هفدهم کتاب علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم مراجعه نمایید (این صفحات در انتهای کتاب به صورت ضمیمه درج شده‌اند).

■ طنز بر اساس شیوه نگارش کلمات

- فرد لنگی به مسافرت دریایی رفته بود. دوستش پرسید: سفر خوش گذشت؟ گفت: نه، دائم تشویش داشتم! چون هر چند وقت یکبار می‌گفتند: لنگرو بندازین تو آب!
- به یکی گفتند با «عدس» جمله بساز. گفت: آدس ما ناراحتی؟

■ مثال دیگر:

- جرج اسمیت، مورخ فلسفه مسیحی است.
- جرج اسمیت مورخ فلسفه، مسیحی است.

ابهام در عبارات

حکایت پادشاه لیدیه را در کلاس مطرح کنید.

■ بررسی مثال‌های ص ۱۹

دو معنای متفاوت از مثال‌های زیر برداشت کنید:

۱. رستم دستی به سر خودش کشید و حرکت کرد؛ ۲. رستم دستی به سر اسب کشید و حرکت کرد.
۱. شکارچی به پلنگ شلیک کرد؛ ۲. شکارچی به آهو شلیک کرد.

مغالطه ممارات

مغالطه ابهام در عبارات در کتاب‌های قدیمی منطق در ذیل مغالطه «ممارات» قرار دارد. مغالطه ممارات به سه صورت زیر قابل ایجاد است:

۱. ضمیری در جمله باشد که می‌تواند دو مرجع داشته باشد. (مانند مثال‌های ذکر شده در درس).
 ۲. ابهام ناشی از حذف بخشی از جمله. (مانند: میل دارید با ما غذا بخورید؟ نه میل ندارم «با شما غذا بخورم» یا نه میل ندارم «غذا بخورم»).
 ۳. جملات منفی ملحق به تشبیه (مانند: «من زرنگ نیستم مانند تو» که دو معنا دارد: یکی آنکه من زرنگ نیستم و تو زرنگ هستی؛ و دیگر آنکه تو هم مثل من زرنگ نیستی).
 ۴. ساختار صرفی مشخص نیست. (مانند: «کتاب **حسن** الجمیل» که در عربی «جمیل» ممکن است صفت حسن و یا صفت کتاب باشد).
- از میان موارد فوق، تنها دو مورد نخست در کتاب درسی مطرح شده است و نام آن «مغالطه ابهام در عبارات» گذاشته شده است.

■ جمع‌بندی مغالطات مطرح شده در این درس

۱. مغالطه اشتراک لفظ: یک لفظ به دلالت مطابقی دارای چند معنا است.
۲. مغالطه توسل به معنای ظاهری: یک لفظ به دلالت مطابقی دارای یک معنا و به دلالت تضمینی با التزامی دارای معنای دیگری است.
(مغالطه توسل به معنای ظاهری را می‌توان زیر مجموعه مغالطه اشتراک لفظ دانست).
۳. مغالطه بارارزشی کلمات: مربوط به کلمات مترادف است. چند لفظ دارای یک معنا هستند.
۴. مغالطه نگارشی کلمات: شامل علائم سجاوندی، اعراب و نقطه‌گذاری و دیکنه کلمات است.
۵. مغالطه ابهام در عبارات: مرجع ضمیر مشخص نیست و جمله دو پهلو است.

مغالطه بارارزشی کلمات	مغالطه اشتراک لفظ
<p>در حیطة الفاظ مترادف مطرح می‌شود.</p> <p>چند لفظ ↑ ↑ ↑ یک معنا</p>	<p>در حیطة الفاظ مشترک مطرح می‌شود.</p> <p>یک لفظ ↓ ↓ ↓ چند معنا</p>

پاسخ فعالیت‌های کلاسی

تمرین ص ۱۴:

۱. زیر الفاظ مشترک خط بکشید و معانی مختلف آنها را بیان کنید:

خواب شیرین: خواب خوش، خوابی که شیرین می‌بیند.

کاری: فعال و کوشا، نوعی ادویه

۲. معنای واژه‌های زیر را مشخص کنید: (این تمرین برای توجه به اشتراک لفظ طراحی شده است)

نمی‌توانید: اجازه ندارید، ما جلوی شما را می‌گیریم.

نمی‌توانی: بلد نیستی (مهارت نداری)، قادر به انجام صحیح این کار نیستید.

نمی‌توانی: قدرت نداری، نیروی لازم را نداری.

تمرین ص ۱۶:

نوع دلالت لفظ بر معنا را در عبارات زیر تعیین کنید:

کتابم: صفحات کتابم (دالت تضمن)

شیر: شجاع (دالت التزامی)

کتابم: کل کتاب را گم کرده است (دالت مطابقی)

ماشینم: بخشی از ماشین (مثلا موتور آن یا بدنه آن) خراب شده است (دالت تضمن)

تمرین ص ۱۸:

با تغییر علائم سجاوندی، معانی مختلف جملات زیر را مشخص کنید:

به نظر، علی احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی، احمدی دانشجوی خوبی است.

به نظر علی احمدی، دانشجوی خوبی است (این نحو از قرائت می‌تواند در ادامه یک جمله دیگر معنا داشته باشد).

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر بوشهر برگزار می‌شود.

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر بوشهر، برگزار می‌شود.

ارز: پول خارجی، بها

عَرَض: پهنا (در برابر طول)، مدت زمان (همچنین «عَرَض» به معنای آبرو و «عَرَض» اصطلاحی فلسفی در مقابل جوهر هستند).

ارض: زمین، سرزمین

مُلک: کشور، پادشاهی

مَلک: به صورت «مَلِک» به معنای پادشاه و به صورت «مَلْک» به معنای فرشته است.

مِلک: دارایی، آنچه در تصرف شخص باشد.

تمرین ص ۲۰:

دو پهلو بودن عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

۱. لعنت خدا بر فروانروای ظالم باد؛ ۲. لعنت خدا بر شخصیت مورد علاقه مردم باد.

۱. میل ندارم با شما غذا بخورم؛ ۲. میل به غذا خوردن ندارم.

پاسخ فعالیت‌های تکمیلی

سؤال ۱

(الف)

خانمی که فامیل او «پزشکی» بود... (همچنین گاه به معنای خانمی است که فامیل همسر او «پزشکی» است).

زن یک پزشک...؟

خانمی که پزشکی شغل او بود...؟

همچنین می‌توان با گذاشتن ویرگول پس از خانم، جمله را به صورت خطاب به یک خانم خواند.

(ب)

فهم دو معنای این تمرین معمولاً نخستین بار برای دانش‌آموزان دشوار است و نیازمند توضیح دبیر است: شرکت سهند و شرکت سبلان هر دو رقیب مهمی برای شرکت ما نیستند و نباید در برنامه‌ریزی خود به آنها توجه کنیم؛

شرکت سهند رقیب مهمی برای شرکت ما نیست، ولی شرکت سبلان رقیب مهمی برای ما هست و باید در برنامه‌ریزی خود به شرکت سبلان که رقیب اصلی ما است توجه کنیم.

(ج)

او گفت که این کتاب مال خودش است؛

او گفت که این کتاب مال من گوینده است.

(د)

مستعمین گفته‌اند که سخن تو صحیح است.

مستعمین گفته‌اند که سخن تو صحیح نیست و افزایش بودجه عمرانی دولت صحیح است.

(ه)

«از او گشتن» دارای دو معنا است:

(۱) از آن او شدن (چون از آن او شدی، همه چیز از آن تو شد).

(۲) از او برگشتن و به او پشت کردن (چون به او پشت کردی، همه چیز به تو پشت کرد).

(و)

سعید فرد متدینی است.

همسایه سعید فرد متدینی است.

(ز)

عفو لازم نیست، اعدامش کنید؛

عفو، لازم نیست اعدامش کنید.

سؤال ۲.

در متن سؤال اشتباه تاپی رخ داده است. لازم است عبارت «درس چهاردهم کتاب فارسی (۱)» به صورت

«درس هفدهم کتاب علوم و فنون ادبی (۱)» اصلاح شود.

الف) جناس تام (در جناس تام، لفظ از نظر کتابت و تلفظ یکی است و معنا مختلف است).

ب) هر مثال مناسبی قابل قبول است. مانند: برادر که در بند خویش است، نه برادر نه خویش است.

ج) دلالت التزامی

سؤال ۳.

الف) دلالت التزامی؛

ب) دلالت مطابقه؛

ج) دلالت تضمن (زیرا فقط روی کفش را واکس می‌زنیم)؛

د) دلالت التزامی.

سؤال ۴.

الف) مغالطه توسل به معنای ظاهری

ب) پاسخ سلمانی توسل به معنای ظاهری بوده است.

سؤال ۵.

در بررسی این تمرین، توضیحات دانش آموزان و جملاتی که به عنوان شاهد بیان می‌کنند اهمیت دارد. بارارزشی منفی: لجوج؛ متعصب (به معنای منفی آن)؛ یک دنده؛ حرف نشنو؛ میگه مرغ یک پا دارد؛ حرف حرف خودش؛ کله شق.

بارارزشی مثبت: مصمم؛ تزلزل ناپذیر، ثابت قدم؛ مقید؛ استوار؛ پایبند
تذکر: «متعصب» می‌تواند بسته به توضیح دانش آموزان، معنای منفی (تعصب کور؛ جمود) یا معنای مثبت (تعصب بر ارزش‌ها) و یا خنثی (تعصب) داشته باشد؛ لذا توضیح دانش آموزان و جملاتی که بکار می‌برند در بررسی این تمرین اهمیت دارد.

سؤال ۶.

کِشْت، کُشت؛ شُکر، شِکر؛ سَم، سُم؛ سَحَر، سِحْر؛ نِشَسْتَه، نَشُستَه.

تمرین و تحقیق‌های اضافی پیشنهادی

۱. معانی مختلف الفاظ «عین» و «جبر» را به کمک لغت‌نامه‌های فارسی و عربی بنویسید.

پاسخ:

به عنوان نمونه برخی از معانی این کلمات عبارتند از:

عین: چشم، چشمه، ذات هر چیز، اصل و...

جبر: اجبار (در مقابل اختیار)، ضرورت، بستن استخوان شکسته و...

۲. معنای مختلف کلمات زیر را بنویسید:

ساعد (پاسخ: دست انسان از مچ تا آرنج) سلاح (پاسخ: وسیله جنگی)

صاعد (پاسخ: بالا رونده) صلاح (پاسخ: مصلحت)

تور (پاسخ: تور؛ گشت) اصرار (پاسخ: پافشاری)

طور (پاسخ: کوه طور، چگونگی) اسرار (پاسخ: راز)

قاضی (پاسخ: کسی که قضاوت می‌کند) «کَثَرُ الله امثالک» (پاسخ: خدا افراد مثل شما را زیاد کند)؛

غازی (پاسخ: مجاهد؛ جنگجو) «کَسَرُ الله امثالک» (پاسخ: خداوند افراد مثل شما را خرد و نابود کند)

۳. مغالطاتی که در این درس خواندید را دسته بندی کنید و تحقیق کنید که چه نوع مغالطات دیگری در

مبحث الفاظ وجود دارند؟ برای هر یک مثالی ذکر کنید. برای این کار می‌توانید به اینترنت یا کتاب‌هایی که

در بخش منابع کتاب درسی معرفی شده‌اند مراجعه کنید.

پاسخ:

این سؤال جنبه تحقیقی داشته و با هدف آشنا کردن و علاقمند کردن دانش آموزان با مغالطات طراحی شده است.

۴. از اشتراک لفظ برای تبلیغات تجاری نیز استفاده می‌کنند. به عنوان مثال کارخانه‌ای که روغن سرخ کردنی

شفاف تولید می‌کند می‌نویسد: «ما با شما شفافیم!» شما نیز یک مورد از این گونه تبلیغات را بیان کنید.



پاسخ^۳:

دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی موارد زیادی از این نوع تبلیغات را می‌یابند و به کلاس می‌آورند. می‌توانید زمان تحویل این تمرین را تا پایان سال آزاد بگذارید. توجه شود که این نوع تبلیغات به خودی خود مغالطه نیستند و تنها تمرینی برای توجه به بحث اشتراک لفظ به شمار می‌آیند. به عنوان مثال به تبلیغ زیر توجه کنید:



«با ماست» به دو معنا است: (۱) برعهده ما است و (۲) به همراه ماست

۵. با توجه به تفاوت کلمات زیر، بگویید که بکاربردن هر یک از آنها در جمله، چه بار معنایی به همراه خواهد داشت؟ (آنها را دو به دو مقایسه کنید)

دوست / آشنا؛ حسادت / غبطه؛ باهوش / حيله‌گر؛ ناراحتی / دلخوری؛ دلگیری / کدورت.

۳. ذکر مثال‌های واقعی در کتاب معلم، برای توجه به مثال‌های ملموس و دم‌دستی در زندگی روزمره است. از آنجا که مخاطب این کتاب تنها دبیران محترم هستند، ذکر این موارد بدون حذف نام شرکت‌ها صورت گرفته است و جنبه تبلیغاتی یا ضد تبلیغی برای ایشان ندارد.

پاسخ:

هدف از طراحی این سؤال توجه به تفاوت‌های ظریفی است که در کلمات مشابه وجود دارد.

۶. در عبارات و استدلال‌های زیر اشتراک لفظ را مشخص کنید:

(الف) در باز است؛ باز پرنده است؛ پس در پرنده است.

(ب) بیژن شیر است؛ شیر یال دارد؛ پس بیژن یال دارد.

(ج) امروز آسمان تار است؛ تار یکی از آلات موسیقی است؛ پس آسمان یکی از آلات موسیقی است.

پاسخ:

(الف) باز به معنای نوعی پرنده شکاری و نیز در مقابل معنای بسته بکار رفته است.

(ب) شیر به معنای شجاع و به معنای حیوان جنگلی بکار رفته است.

(ج) تار به معنای غیرواضح و نیز به معنای یکی از آلات موسیقی است.

۷. عبارات زیر ممکن است باعث ایجاد کدام مغالطه شوند؟

(الف) قوم گفتندش که ای خر گوش دار خویش را اندازه خرگوش دار

(ب) هرکس حسن را ببیند، اگر غمگین باشد شادمان می‌شود.

(ج) او و همسرش سه سال اختلاف داشتند.

(د) یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر شیراز برگزار می‌شود.

(ه) او چند غزل این شاعر جوان را خوب و بی‌اشکال خواند.

(و) گفتمش باید بری نامم زیاد گفت آری می‌برم نامت زیاد

(ز) شما قول داده بودید که خط تلفن ما تا امروز وصل می‌شود، پس چرا تلفن ما هنوز کار نمی‌کند؟ مسؤل

اداره مخابرات: خیر، ما گفتیم که تا امروز خط تلفن شما را می‌کشیم که کشیدیم، اما قولی درباره بکار افتادن

تلفن ندادیم!

(ح) مکن تا توانی دل خلق ریش وگر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش

(ط) حاکم بغداد حکمی کرد و می‌باید شنید تا که او باشد نباید کرد لعنت بر یزید

(ی) خواجه در ابریشم و ما در گلیم عاقبت ای دل همه یکسر گلیم

پاسخ:

(الف) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمه «خرگوش».

(ب) مغالطه ابهام در عبارات (معلوم نیست که حسن خوشحال می‌شود یا کسی که او را می‌بیند).

(ج) مغالطه اشتراک لفظ (او و همسرش سه سال اختلاف سنی دارند یا سه سال است که با هم اختلاف

خانوادگی دارند!).

(د) مغالطه نگارشی کلمات:

یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت، در شهر شیراز برگزار می‌شود.
 یک کنفرانس علمی در مورد حفاری چاه‌های نفت در شهر شیراز، برگزار می‌شود.
 ه) مغالطه اشتراک لفظ (او چند غزل از این شاعر جوان را به زیبایی قرائت کرد یا چند غزل از این شاعر جوان را غزال‌هایی خوب و بدون اشکال ادبی دانست).
 و) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمات «زیاد» و «زیاد».
 ز) مغالطه توسل به معنای ظاهری کلمات (کشیدن خط تلفن به دلالت مطابقه به معنای کشیدن کابل تلفن تا درب منزل است و به دلالت التزامی به معنای بکار افتادن تلفن منزل است).
 ح) مغالطه نگارشی کلمات درباره کلمات «می‌کنی» و «می‌کنی»
 ط) مغالطه ابهام در عبارات:

حاکم بغداد دستور داده است که دیگر نباید بر یزید لعن فرستاد!
 حاکم بغداد چنان حکم بدی کرده است که با وجود او، دیگر نوبت به لعنت کردن به یزید نمی‌رسد! (اغراق در بد بودن حاکم بغداد).

ی) گلیم به معنای فرش و گلیم و در مورد دوم مخفف «در گل هستیم» است، لذا می‌توان آن را مغالطه نگارشی کلمات به شمار آورد.

۸. مشخص کنید که کدام یک از وجود ذهنی، لفظی یا خارجی کلمات مشخص شده مورد نظر هستند.
 تبریز در آذربایجان است (پاسخ: خارجی)؛ انسان زیبایی را دوست دارد. (پاسخ: خارجی)؛ آذر در آذر به دنیا آمد. (پاسخ: هر دو خارجی)

«تبریز» اسم است (پاسخ: لفظی)؛ الفبای فارسی یازده حرف دارد. (پاسخ: لفظی)؛ اسم امام سوم نقطه ندارد. (پاسخ: لفظی)؛ این سه نقطه دارد. (پاسخ: لفظی)
 تبریز مفهومی جزئی است (پاسخ: ذهنی)؛ سیم‌رغ تصویری خیالی است. (پاسخ: ذهنی)
 کوه طلا زرد است. (پاسخ: ذهنی و خارجی)

۹. سه مثال ذکر کنید که در آنها واژه «تلویزیون» به سه نوع دلالت مطابقی، تضمینی و التزامی بکار رفته باشد.

پاسخ:

تلویزیون خریدم (مطابقی)؛ تلویزیونمان خراب شده (تضمینی)؛ تلویزیون گفت که فردا مدارس تعطیل است (التزامی)، خود تلویزیون یا بخشی از آن نگفته است، بلکه گوینده خبر یا وزارت آموزش و پرورش از طریق تلویزیون گفته‌اند).

۱۰. نوع دلالت الفاظ زیر را از میان مطابقه، تضمین و التزام، مشخص کنید:

الف) واسئل القرية التي كُنّا فيها (پاسخ: التزامی، مردم شهر، خود شهر یا بخشی از آن نیستند).
ب) با ندادن این نامه، خانه خرابم کردی (پاسخ: التزامی، یعنی بدبخت شدم و به معنای «خراب شدن خانه» یا بخشی از آن نیست).

ج) خانهم نیازمند به تعمیرات کلی است (پاسخ: تضمینی، بخشی از خانه نیازمند تعمیرات است).
د) بادآورده را باد می‌برد؛ (پاسخ: التزامی، بادآورده به معنای چیزی که با باد آمده است نیست).
ه) گاوم زایید! (پاسخ: التزامی، یعنی بدبخت شدم و به معنای به دنیا آمدن گوساله نیست).
و) دلالت لفظ درخت بر میوه آن (پاسخ: اگر میوه را جزء درخت می‌دانید دلالت تضمینی است و اگر نه دلالت التزامی است؛ در اینگونه موارد و مثال‌های بحث برانگیز مشابه، اجازه بحث بیهوده به کلاس ندهید و سریعاً پاسخ‌ها را مانند این مثال دسته‌بندی کنید).

ز) دلالت لفظ خودرو بر راننده آن (پاسخ: دلالت التزامی، راننده بخشی از خودرو نیست).
۱۱. با بکاربردن کلمات زیر در جملات مختلف، آنها را بر اساس بار ارزشی مثبت، منفی و خنثی دسته‌بندی کنید:

پیش‌پا افتاده، مبتدل، عادی، معمولی، ساده، جلف، افتضاح، عالی، بی‌نظیر، برجسته، فوق‌العاده
پاسخ:

در این گونه تمرین‌ها، در مواردی جواب نهایی وجود ندارد و کاملاً به جملاتی بستگی دارد که دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. لذا در این موارد وقت خود را صرف دسته‌بندی کلمات نکنید.

۴. آیه ۸۲ از سوره یوسف: «از شهری که در آن بودیم سؤال کن».